یادداشت

## نقدی بر دیپلماسی انرژی ایران

سعید ساویز . کارشناس انرژی

سال پیش در چنین روزهایی نوشته شد که تحریم‌ها دولت ملی را به نداری دچار کرد و بی‌پولی کمر مصدق را شکست. دیپلماسی فعالی هم برای بازاریابی و برانگیختن ولع بازار مصرف وجود نداشت و نوشتیم که همان سناریوی اتحادمان‌ستیز داده، برای جمهوری اسلامی نیز نوشته شده است.

چند ماه پیش نوشته شد که معافیت‌های آمریکا برای خرید نفت ایران در واقع ناتوانی در جایگزینی نفت ایران در بازار در کوتاه‌مدت است. اما اگر از این روزنه به سلامت عبور نکنیم، به‌زودی امکان تحریم تمام نفت ایران فراهم خواهد شد.

در تمام این مدت هیچ نشان، اراده و تلاشی در دیپلماسی انرژی مشاهده نشده است که بتواند بارقه‌های امیدوارکننده‌ای را برای عبور از کردنه تحریم‌های آمریکا نشان دهد؛ مسئولان منفعل، بی‌انگیزه و بی‌برنامه به نظر می‌رسند. حتی نشانی از تئوری‌های پرفساد، اما ابتکاری و هیجانی «ورزن تحریم‌ها که در دوران دولت نهم و دهم اجرا شد نیز نیست.

ایران به‌عنوان دارنده بیشترین ذخایر نفت و گاز در جهان در کنار ونزوئلا دارنده بیشترین ذخایر نفت در جهان، به‌سادگی از بازار حذف می‌شود و نفت شیل که حداقل سه برابر گران‌تر از نفت ایران و ونزوئلاست، جای آنها را در بازار می‌گیرد.

فساد، جنگ‌های جناحی و وعده‌های خوش‌بینانه توخالی جای استراتژی و گزینه‌های خلاقانه‌ای را که باید «پلن بی» دیپلماسی انرژی پس از به‌بن‌بست‌رسیدن مدل جدید قراردادها باشد، گرفته است؛ بااین‌حال، ما هنوز در درون مشغول شمردن پول‌های به‌سرقت‌رفته و نزاع بر سر حجم پول‌های اختلاس‌شده‌ایم.

بیشترین ذخایر گاز را داریم، اما هنوز ال‌ان‌جی برای صادرات کازمان نداریم و اگرچه کار مذاکرات فروش گاز با خط لوله به‌موقع آغاز شد، اما هرگز برای هند و پاکستان عملیاتی نشد و صادرات گاز به امارات نیز داستان غم‌انگیزی به نام کرسنت دارد و ترکیه و عراق تنها کشورهایی هستند که مشتری گاز ما با خط لوله هستند.

از دید کارشناسی، بزرگ‌ترین مشکل در فروش نفت آنجایی است که هنوز مسئولان کمان می‌کنند مشتریان برای خرید نفت ما صف خواهند کشید؛ خیال خطایی که مصدق را نیز زمین زد. هرچقدر کارشناسان تأکید می‌کنند که دوران نفت به‌عنوان کالایی استراتژیک به پایان رسیده است و امروز به‌جای اینکه مشتریان برای خرید نفت سراغ کشورهای صاحب نفت بروند، به دلیل تنوع عرضه این فروشندگان هستند که به هزاروبک ترفند و ایجاد جذابیت سعی می‌کنند نفت خود را بفروشند.

پمپئو دوره راه افتاده و در دنیا برای نخریدن نفت ایران تبلیغ می‌کند. ما حتی از حضور در کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی اجتناب می‌کنیم، متأسفانه هنوز در تفکر مسئولان سفر خارجی و مذاکره در سطح بین‌الملل با مقاطعاتی خیرت نفت. آن‌چنان کار فانتزی، زائد و اسرافی‌مآبانه‌ای است که هرگز به به خود زحمت انجام آن را می‌دهند و نه راهکاری برای انجامش از سوی بدنه کارشناسی مسئول دارند.

قرارداد‌های جدید راه چاره‌ای جذاب برای حال‌ورزول صنعت و اقتصاد ایران بود. اما آگاهانه یا ناآگاهانه با دعوالقوق در هزارتوی بوروکراسی گم شد و فضل بهاری که در روابط ایران و آمریکا در اواخر دولت اوباما دمیده بود، با خزان دولت ترامپ پیر شد. با شاید این حرکت سیئوسی و این فرار و فرود برنامه از پیش نوشته‌شده سیاست خارجی بانکی‌ها باشد. به‌هرروی هرچه هست که است، نتیجه نفت کشور ایران که بیشتر شاخص بعد از انقلاب خود را در تحریم سپری کرده است. این انتظار می‌رود که چراغ چین روزی آماده بوده و تمهیدی برای نشدن‌ها در آستین داشته باشد.

در ابتدای دولت یازدهم به دلیل موارد بسیار زیادی که از فساد در نفت کشف شد، کارشناسان زیاد به شکوه از روبه‌رشد پیشین گشودند و سیاست‌های وزارت نفت دولت قبل را تقبیح کردند. اما مرور با وقوع گره‌های مشابه در فروش نفت، این سؤال پیش می‌آید که مشتق‌نوشتن یا غلط زیاد بهتر است یا مشتق‌نوشتن و فروزدمن؟

توسعه عمومه دغدغه شماره یک نفت ایران بوده است. اما مرور دیرآور دولتی مهم‌تری وجود دارد، دولتی که در یک بازاری بلندمدت و مطمئن برای نفت است که می‌تواند به توسعه با حتی تجارت خارجی گره بخورد. می‌تواند بسته شود تا مانند حق خلاقانه اوبک از دستی ونزوئلا، طوق بی تحادیه انرژی- اقتصادی از سوی ایران به کشورهایی مانند هند، قطر، ترکیه و عراق بیشنهاد شود.

هنوز برای چیران دیر نیست. فقط کافی است بحران درک شود و به‌جای انکار، سکان را به افرادی با دانش، انرژیک و بااتکیزه بسپاریم تا در کنار یک اتاق فکر از خرد جمعی و تجربه‌های موفق همه دولت‌های قبلی که با تحریم مواجه بوده‌اند، بتوانند راه چاره‌ای برای شرایط موجود بیندیشند.

خبر

### سقف برداشت از خودپردازها به ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافت

سقف برداشت پول از امروز در تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری فعال کشور از ۲۰۰ به ۵۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد. به گزارش ایسنا، سیستم بانکی هر ساله تمهیداتی برای رفاه حال مشتریان و ارائه خدمات بانکی در آخرین روزهای سال به اسکان جنگزده‌های خرمشهر و مناطق دیگر کمک کند؛ از اینکه برق بازرگانی وقف (کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران زیرمجموعه وزارت بازرگانی) باشد، اتفاق‌نظریه‌ای داشتم که طبیعی هم بود و از آنجا رقم که قائم‌مقام وزارت نیرو شهر، دکتر بانکی وزیر نیرو شده بود. بعد آقای آقازاده خواهر اتاق آقای موسوی- نخست‌وزیر وقت کفته‌اند حتما حتما باید به شرکت نفتکش بیاید. هر دو قبول کردم و به شرکت ملی نفتکش رفتم. آن زمان دفتر شرکت ملی نفتکش در خیابان شهید عاطفی بود. اسمش را ساختمان قدیمی با حدود ۱۰۶ کارمند در اداره مرکزی بود و یک نفر نماینده هم در بندر ماهشهر داشت. من تا سال برای تحصیلات به خارج از کشور رفتم. همه آن‌قدر تعریف و تمجید از اداره و اماکنانش می‌کردند که وقتی برگشتم، تصورم این بود کشتی‌رانی جمهوری اسلامی و شرکت نفتکش، ناوگان برتری دارد که متوجه شدم واقعا آن‌طور نیست.

**شما قبل از انقلاب سیاه ارتباطی رسمی با شرکت نفت داشتید، اما توانستیم خودمان را جمع‌وجور کنیم. همه کشتی‌های جنگی و نفتی در این مدت ادامه داشت، اما تحت کنترل بود. در مدت حدود ۱۵۱ کشتی را به خارج از کشور آوردیم که بیشتر شهید شدند در خیابان شهید عاطفی به یک چهار طبقه بالا و سه طبقه هم زیرزمین داشت و حدود ۶۰۰ نفر اجیرت بودند. بعضی جاها خود تو زندانیت ۱۱ کشتی داشتند که تو از آنها سه سال در آب‌های مالزی کیش انداخته بود. پنج تا از کشتی‌ها را هم به شرکت مشترک ایران- انگلیس داده بودند. عملا بیخ گشتی دست‌رد خودش بود. با این اوضاع‌ش می‌خواستند در برابر جنگ مقابله کنند. سال ۶۴ که من رفتم هم وضعیت ناوگان همین‌طور بود. با پیشنهاد من، اجازه گرفتیم ۲۲ کشتی بخریم که اغلب هم VLCC بودند که ظرفیتشان حدود دو میلیون بشکه است. ۳۰۰ هزار تن بار می‌گیرد. بنابراین ۲۲ کشتی ضرب‌در ۳۰۰ هزار تن، شش میلیون و ۶۰۰ هزار تن بار می‌برند. اگر فرض کنیم ۱۰۰ سفر برود، ۶۶۰ میلیون تن می‌توانند بار حمل کنند. به هر حال، اول اجازه دو فروند نفت‌کش دوم را گرفتیم که سریع بیاید. ۱۰ ماه طول نکشید که این دو فروند را گرفتیم و بیش از ۲۰۳۰ کشتی اجاره کردیم همان تمهیدات بیمه که برای کشتی‌های دیگر بود، برای اینها هم به کار گرفته و توانیل شناور در زیر سیری ایجاد کردیم. یعنی کشتی‌های بالاتر از ۳۰۰ هزار تن که ۴۰۰ و ۵۵۰ هزارتنی هم بینشان بود. آوردیمش جنوب کشتی بزرگ‌تر از ۳۰ هزار تن برای مخزن نفت خام. سطح نفت شکنی و تعدادی کشتی به‌صورت ترددی که به جزیره خارک می‌رفتند، بار می‌آوردند و در کشتی‌های مدار تخلیه می‌کردند. خیره‌ساز اثر خارجی بار را از این کشتی‌ها می‌گرفتند و کنار این کشتی‌ها، شرکت‌های لاسیتکی دولت‌ی گذاشته بودیم که در اثر موج بدنه دو کشتی به هم نخورد. تعداد زیادی بدکشتی، نفربر، کشتی‌های کوچک و کشتی‌های مخزنی که در جزیره مجموع کشتی‌های کوچک و کشتی‌های مخزنی که در جزیره سیری بود و کشتی‌های تردد‌ی. ۱۴۰ فروند بود. کشتی‌های کوچک حدود ۷۰ فروند و کشتی‌های سبزرگ هم حدود ۷۰ فروند. ضمن اینکه همین فراورده‌های نفتی هم داشتیم. خلیج فارس می‌گردیم. کازوئیل و بنزین وارد می‌کردیم. آنها را در کشتی‌های مدار در زیرو سیری گذاشته بودیم. کشتی‌های خارجی اینها را تخلیه می‌کردند و با کشتی‌های تردد‌ی آنها را در بندر ماهشهر بالا و پایین می‌کردیم. چون ترتیبی باعث شد جهز خلیج در صادرات نفت خام و واردات فراورده ایجاد نشود. دو هتل در سکوی دریایی در زیرو سیری هم مستقر کردیم که پرسنل اداری و عملیاتی کشتی‌ها در آنجا مستقر بودند. با هیلکوپتر از بوشهر یا جاهای دیگه به آنجا می‌آمدند. تعدادی قایق هم بود که می‌توانستند این افراد را سالمی جابه‌جا کنند و کشتی‌های سوخت‌رسان که به کشتی‌های مستقر در آنجا سوخت می‌دادند. این عملیات، بزرگ‌ترین عملیاتی است که تاریخ کشتی‌رانی دنیا برای خانه خارک و فراورده‌های نفتی انجام داده است. در جنگ جهانی اول طرفیت کشتی‌ها ۱۵ هزار تن و در جنگ جهانی دوم تا ۲۵ هزار تن بود. درگیری‌های ما تازه داشت شروع می‌شد. در این جنگ، کشتی تا ۵۵۰ هزار تن بر. داشتیم؛ این عملیات واقعا تاریخی است. این اتفاق تا به حال نیفتاده و به نظرم نخواهد افتاد. از این اتفاق فیلم‌ها و گزارش‌هایی تهیه شده است. شرکت نفتکش فیلم جنگی کشتی‌ها را ساخت. بعد از مدتی شورای عالی خرک توسعه تجارت وزیر سابق را هم بمباران کند و یکباره ترمیمال ما را به هم ریخت. ناچار شدیم ترمینال را به بندرعباس منتقل کنیم. البته فاصله‌مان زیادتر شد. بنابراین باید کشتی‌های تردد‌ی را که تا آن زمان از جزیره سیری می‌رفتند، به بندرعباس می‌بردیم. اما این کار هم ادامه داشت.**

**البته یک بار هم بندرعباس را بمباران کردند. اما توانستیم خودمان را جمع‌وجور کنیم. همه کشتی‌های جنگی و نفتی در این مدت ادامه داشت. اما تحت کنترل بود. در مدت حدود ۱۵۱ کشتی را به خارج از کشور آوردیم که بیشتر شهید شدند. اقلا ۱۷، ۱۸ سازمان نظارتی در این زمینه داریم و اکثرا کارهایشان موازی است و خسته می‌کنند. افراد متعهد که تا اندازه‌ای برای کار و آبروبشان ارزش قائل‌اند، آزار می‌بینند و کنار می‌روند و این افراد تعدادشان کم می‌شود. بعد رسوب افرادی که به این مسائل پایبند نیستند در ادارات خصوصی و دولتی بیشتر می‌شود.**

**از این که بگذریم، در خاطرات آقای علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه دولت دهم و رئیس سازمان انرژی اتمی آمده شما واسطه مذاکرات ایران و آمریکا در عمان بوده‌اید. جریان چه بود؟**

آن زمان، تعدادی کشتی اجاره به شرط تملیک به عمانی‌ها داده بودیم و به عمان رفت‌وآمد داشتیم. دریکی از این جلسات با شخصی به نام دکتر سالم اسماعیلی که مشاور سلطان قابوس، سلطان عمان بود، ملاقات کردم. وقتی با هم صحبت می‌کردیم، او گفت ایران این تحریم‌ها را برادرد، رشد می‌کند. به مسئولان ایران پیغام بدهید که با مذاکره مشکل با آمریکا را حل کنند. گفتم در این صورت شما چه کمکی می‌کنید؟ گفت من مسائل را به سلطان قابوس می‌گویم. شاید موافقت کند رابط این مذاکرات بین ایران و آمریکا شود. من برگشتم و نزد دکتر ولایتی به بیمارستان مسیح دانشوری در دارآباد رفتم. با دکتر ولایتی از قبل از انقلاب دوست بودیم. این پیغام را دادم و نظرم هم این بود هر دو مذاکراتی که با ۵+۱ داریم، به نتیجه نمی‌رسد. آن زمان آقای جلیلی این مذاکرات را پیگیری می‌کرد. ایشان گفت چرا؟ گفتم چون پنج کشور (چین، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلیس) با ما مسئله‌ای ندارند. آمریکا برای اینکه تنهایی ما را تحریم نکند، این پنج کشور را مقابل ما قرار داده و در شورای امنیت رای گرفته است. اگر بتوانید مذاکرات با اینها را پشت پرده انجام داده و به توافق برسید، در ۵+۱ سریع به نتیجه خواهید رسید. ایشان گفت راه‌حلتان چیست؟ گفتم یک کشور مثل چین، ترکیه یا عمان را واسطه قرار دهیم. ایشان به دلایلی گفت کشور عمان خوب است، اما با ترکیه به دلایلی موافق نیز. در مورد چین هم راضی بودند که اتفاقا چینی‌ها هم جواب مثبت دادند، اما زمان بر بود و ما مذاکرات را با عمان شروع کرده بودیم. دکتر ولایتی گفت خودت در عمان صحبت کن. به دکتر اسماعیلی گفتم آقای ولایتی این‌طور گفته است. ایشان گفت با سلطان قابوس صحبت می‌کنم. من به ایران برگشتم. دو هفته بعد بود که ایشان تماس گرفت و گفت به عمان بیایید. گفتند سلطان قبول کرده که واسطه برای مذاکرات شوند. یک بار دیگر هم گفتند سلطان می‌خواهد شما را ببیند. من به آقای ولایتی را با سلطان عمان داشتم و با هم دونفره بیش از دو ساعت صحبت کردیم. ایشان خیلی حقایق برایش روشن شد و نمی‌دانست چطور شده وارد غنی‌سازی شده‌ایم. برای او توضیح دادم که آمریکایی‌ها به ایران قبل از انقلاب پیشنهاد غنی‌سازی داده بودند. شما کتاب آقای علی‌اکبر اعتماد (اولین رئیس سازمان انرژی اتمی) را ببینید. گفتم آمریکایی‌ها به ایشان مراجعه کرده و گفته‌اند یک تعداد نیروگاه هسته‌ای را ایجاد کنید، زیرا اگر بخش عمده نفت خامی را که تولید می‌کنید مصرف کنید، چیزی برای صادرات نمی‌ماند. بخشی از انرژی‌تان را از انرژی هسته‌ای تامین کنید. شاه هم قبول می‌کند، اما می‌گوید ما اورانیوم نداریم. می‌گویند فرانسه کارخانه غنی‌سازی چالوس پاریس تاسیس می‌کند، شما بخشی از سهام را بخرید که اورانیوم غنی‌شده را بتوانید از این کارخانه داشته باشید. شاه ۱۲ درصد از خرید درسم را رفتند، در نیویورک کار دریایی را شروع کردم. فراند قدیمی عضو شدند و آقای احمدی‌نژاد آمد که به دلایلی، دید خوبی نسبت به نفتکش نداشت. اما همان‌طور که پزشکی و کامپیوتر و اصلاحات انجام شده و در نهایت آقای ترامپ چنین برخوردی کرد. یکی دستاوردی که مصدق برای ملی‌کردن نفت داشت و یکی هم دستاورد برجام. از بزرگ‌ترین پیروزی‌های دیپلماتیک ایران به شمار می‌رفت. عقیده هم آن است که مردم از نظر شعور، فرهنگ، تاریخ و معلومات ملل خیلی از کشورهای دیگر نیستند و دنیا روبشان حساب می‌کند وگرنه چه دلیلی داشت وزرای خارجه و مسئولان این کشورها دو سال زمان بگذارند و با ایران مذاکره کنند. ما متاسفانه خودمان را دست‌کم می‌گیریم. این ملت سابقه چندهزارساله و فرهنگ غنی و تاریخ عزتمند دارد و سطح فرهنگ و شعورمان با خیلی از کشورها قابل مقایسه نیست. منتها چون به لحاظ اقتصادی مشکل داریم، همه چیز را تیره و تار می‌بینیم. اگر بر تحریم‌ها فائق بیاییم و اقتصادمان برگردد ملت قدرتمندی خواهیم بود.

**به همین دلیل از شرکت ملی نفتکش پس از ۲۶ سال عزل شدید؟**

یکی از عواملی که شنیدم این بود. اینکه مستقیما با وزارت خارجه صحبت کرده بودیم و به ایشان نگفته بودیم. احمدی‌نژاد دشمنی‌های زیادی با نفتکش کرده بود و این یکی از اینها بود.

**دوره‌ای که شما در سمت مدیرعاملی شرکت ملی نفتکش حضور داشتید. طولانی‌ترین دوره مدیریت در این شرکت مهم بود، اما از زمانی که کنارگذاشته شدید، بارها و بارها مدیریت این شرکت تغییر کرد. فکر می‌کنید، علت آن چه بود؟ این تغییرات بی‌دریی در این شرکت که درآمدهای نفتی ایران را حاصل می‌کند، چه ضربه‌ای به کشور می‌زند؟**

۲۶ سال آنجا بودم و بحمدالله پیشرفت شرکت نفتکش از ظرفیت کمتر از یک میلیون تن به ۱۸ میلیون تن رسید. از طرفی، متوسط سن ناوگان که حدود ۲۰ سال بود به شش سال رسید و با سرمایه‌گذاری حدود شش میلیارد دلار که حدود ۸۰، ۹۰ درصد را از خارج وام گرفته بودیم، کشتی‌ها ساخته شد. تشکیلات آموزشی وسیعی گذاشته شد که پرسنل کشتی‌ها ایرانیزه شدند و کشتی‌هایمان با بهترین استانداردِ جهانی ساخته شدند. طوری که ناوگان نفتکش چند بار به‌عنوان اولین ناوگان دنیا شناخته شد و جایزه گرفت. برخی کشتی‌هایمان به خاطر ماشین‌آلات جدیدی که داشتند، به‌عنوان بهترین کشتی‌های دنیا انتخاب شدند و حتی مدیرعامل شرکت نفتکش در زمان من چند بار به‌عنوان بهترین مدیرعامل و شخصیت برجسته کشتی‌رانی دنیا انتخاب شد و جایزه گرفت. البته عوامل مختلفی دخیل بود. اول من در نیویورک، به دانشکده دریایی رفتم و تحصیل کردم. جزء بچه‌های انجمن اسلامی و برای حکومت شناخته‌شده بودم. با عشق و علاقه کار کردم. برایم مسائل مالی و حقوق واقعا آن‌قدرها مطرح نبود. در خارج پنج سال درس خواندم و پنج سال آزاسب حمل‌ونقل دریایی داشتم و با دریا آشنا بودم. از طرفی، مسئولان کشور من را می‌شناختند و به من اعتماد داشتند. مسئولانی که به خارج می‌آمدند به منزل ما در نیویورک می‌آمدند...

**بعد از انقلاب آموزش دیده بودید؟**

خیر. در واشنگتن‌دی‌سی از سال ۷۰ میلادی تا اواسط ۷۵ و رشته مهندسی مکانیک درس خواندم، دانشجوی دانشگاه شریف بودم و به خاطر فعالیت‌های مذهبی و سیاسی اخراج شده بودم و در خارج درسم را رفتم. در نیویورک کار دریایی را شروع کردم. فراند قدیمی عضو شدند و آقای احمدی‌نژاد آمد که به دلایلی، دید خوبی نسبت به نفتکش نداشت. اما همان‌طور که پزشکی و کامپیوتر در سطح بالا تخصص است، کشتی‌رانی هم همین‌طور است. باید علم این کار را داشته باشید. از طرف دیگر شغلی که کار و خواست داشته باشید و بتوانید خوب مسئولان کشور و نخبه نظرانشان را داشته باشید، بتوانید با دیگران به اتیا تعامل کنید. مبنای اعتقادتان بر اساس باشد که در داخل و خارج از کشور با معیارهای صحیح برخوردند کنید. جمع اینها و مسائل دیگر باعث می‌شود یک مدیر بتواند موفق باشد. اینها یک دفعه جمع نمی‌شود. یک مدیر موفق کسی است که با سختی بزرگ شده باشد. از دوره سخت زندگی رشد کرده باشد و سختی‌ها او را ساخته باشد. قدرت تصمیم‌گیری و شهامت در وجودش باشد و در غیر صورت نتوانند کار کند. باید دانش داشته باشد و به کشورش علاقه و عشق داشته باشد. شما گفتشش صحیح نیست. اما خداوند بخشی از این موارد را در اختیار ما قرار نداده است و ما با مکتب‌رفتن شروع کردم. از بچه‌ملکی چشم‌ما با قرآن آشنا شد و تا ۷ سالگی به مکتب می‌رفتم و قرآن می‌خواندم. یک بار که از توپسگران به تهران آمدم، به دیستان رفتم. یک روز به یکی از دبستانی‌های خالی میدان ولیعصر (محل فعلی کیرجهان) بود رفتم و سراغ مدیر مدرسه را گرفتم و گفتم آمده‌ام درس بخوانم. گفتند تا حالا مدرسه نرفته‌ای؟ گفتم در مکتب‌خانه درس خوانده‌ام که از من خوششان آمد. گفت تو داخل کلاس سوم بنشین. خانم شیخی معلم کلاس سوم من را دید و به سرکلاس برد و امتحان فارسی روخوانی و املا و سؤالات ریاضی گرفت. املا و روخوانی را قبول کرد. ریاضی‌اش ضعیف بود و خودش کمک کرد و قبول شد. به مدیر مدرسه گفت اسمش را بنویسید. من کلاس سوم رفتم. با همین نمره‌های خوبم. در تلت اول شاگرد سوم شدم. بیشتر سال‌ها شاگرد اول یا دوم بودم تا وارد دانشگاه شریف شدم و به خاطر فعالیت‌های مذهبی و سیاسی اخراج شدم و به خاطر درسم را تمام کردم. در نیویورک کار دریایی را شروع کردم. فراند قدیمی عضو شدند و آقای احمدی‌نژاد آمد که به دلایلی، دید خوبی نسبت به نفتکش نداشت. اما همان‌طور که پزشکی و کامپیوتر در سطح بالا تخصص است، کشتی‌رانی هم همین‌طور است. باید علم این کار را داشته باشید. از طرف دیگر عشق به کار و خواست داشته باشید و بتوانید خوب مسئولان کشور و نخبه نظرانشان را داشته باشید، بتوانید با دیگران به اتیا تعامل کنید. مبنای اعتقادتان بر اساس باشد که در داخل و خارج از کشور با معیارهای صحیح برخوردند کنید. جمع اینها و مسائل دیگر باعث می‌شود یک مدیر بتواند موفق باشد. اینها یک‌